

گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق (ع)

سید رضا مؤذب^۱
کامران اویسی^۲

چکیده

با توجه به نیازمندی به روایات تفسیری و اهمیت نقش امام ششم (ع) در بیان این روایات، شناخت روش تفسیری این امام همام، کمک شایانی به پیشبرد علم تفسیر خصوصاً در نزد پژوهشگران و مفسران شیعی خواهد کرد. در این نوشتار روش‌های تفسیری امام صادق (ع) با نگاهی کاربردی بررسی شده است. برای رسیدن به این هدف باید به صورت تقریبی اکثر روایات تفسیری امام جعفر بن محمد (ع) دیده می‌شد که در نوبه‌ی خودکاری پر زحمت بود. روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآن به سنت، تفسیر لغوی، جری و تطبیق از مسائلی است که در این تحقیق بدان اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، روش‌های تفسیر، روایات تفسیری امام صادق (ع)، روش‌های تفسیری امام صادق (ع).

۱- استاد دانشگاه قم.

۲- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم.

کوتاهی دوران رسالت پیامبر(ص) و همراه بودن آن با جنگ‌ها و فشارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی و محدودیت نیاز مسلمانان و عوامل دیگری از این دست سبب شد آموزه‌های اسلام در باب احکام، آداب، اخلاق و تفسیر قرآن به صورت «تعالیم خصوصی» و «تعالیم عمومی» جلوه کند؛ یعنی بخشی از آموزه‌های پیامبر(ص) با هدف رفع نیازهای عمومی مردم، در قالب شماری از روایات و در زمینه تفسیر آیات قرآن و ذکر سبب نزول آن‌ها و بیان احکام و آداب اسلامی ظاهر شده است. همین روایت‌ها که مخاطب آنها عموم افراد جامعه بوده‌اند، چهارچوب اصلی سنت پیامبر(ص) را تشکیل می‌دهند. (عسکری، ۲۶/۱)

پس از شهادت امام چهارم (ع) به سبب ضعف حکومت اموی و سرانجام سقوط آن و روی کار آمدن دولت نوپای عباسی، دوران درخشان زندگی صادقین (ع) آغاز گردید. همین دوران به سبب سهولت‌هایی که در امور شیعه پدید آمد، توانست نقش مهمی در تاریخ اسلام بازی کند. این دوره ویژگی‌های خاصی داشت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- انفتاح سیاسی و کاهش فشارهای اجتماعی.
 - ۲- گسترش فعالیت عقل‌گرایان و اهل قیاس و دعوت صادقین (ع) به سنت منقول نبوی.
 - ۳- گسترش خوارج، معتزله، مرجئه، غلات.
 - ۴- گسترش تلاش تشیع در استفاده از امامان برای برطرف نمودن نیازهای دینی و تفسیریشان.
 - ۵- گسترانیدن دامنه ارزش‌های نوین دینی و تربیت شاگردان میرز اسلام شناس.
 - ۶- تدوین مکتوبات اولیه حدیثی. (حجتی، روش تفسیری صادقین، ۱۹-۲۵)
- بنابراین اهمیت دوران امام صادق (ع) و نقش مهم ایشان در گسترش روایات تفسیری قابل توجه است. قبل از پرداختن به روش شناسی تفسیر امام ششم (ع) باید به سه نکته اشاره نمود؛ اولاً سنت، شارح قرآن است و صدور بخش مهمی از روایات اهل بیت (ع)، درباره قرآن و تفسیر و تأویل آن است. ثانیاً مفسران به بیان آنها نیاز دارند زیرا بنا بر سخن امام باقر(ع)، تفسیر قرآن بدون مراجعه به اهل بیت (ع)، سبب هلاک شخص خواهد شد. (مجلسی، ۲۴ / ۲۳۷) ثالثاً شناخت روش تفسیری امام ششم (ع)، مفسران را در فهم بیشتر و بهتر احادیث تفسیری صادره از ایشان، یاری می‌رساند.

گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق (ع)

مفسران، روایات تفسیری را بدون تقسیم بندی خاصی در ذیل آیات نقل کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد این روایات به چند دسته تقسیم می‌شوند. یکی از پژوهشگران معاصر روایات تفسیری را این گونه تقسیم نموده است: روایات توضیحی، روایات شأن نزول و روایات تنزیل و تأویل. (اعرابی، ۶۹)

علامه طباطبایی نیز نوع دیگری از روایات به نام «جری و تطبیق» را افزوده است. (طباطبایی، المیزان، ۴۱/۱) این تقسیم بندی‌ها بر اساس محتوای روایات است.

برخی دیگر بر این باورند که اهل بیت (ع) به پیروی از پیامبر (ص) در تفسیر کلام الهی روش‌های گوناگون تفسیر قرآن به قرآن، بیان عام و خاص، مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، تأویل و تفسیر، شرح لغت، سبب نزول، ذکر مصداق، تبیین احکام موجود در آیه و دیگر شیوه‌ها را به کار گرفته‌اند. (حجتی، روش تفسیری صادقین، ۲۵)

در دسته‌بندی کلی و اولیه روایات تفسیری امام ششم (ع)، می‌توان این روایات را در سه گروه تقسیم‌بندی نمود:

۱- روایاتی که در باب جایگاه و فضیلت قرآن رسیده و مسلمانان را به تحفظ، انس و تدبّر قرآن تشویق می‌کند و اهمیت قرآن را در زندگی نشان می‌دهد.

۲- روایاتی که در موضوعات علوم قرآنی مانند ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول، جمع قرآن و خواص قرآن رسیده است.

۳- دسته آخر، روایاتی است که در تفسیر آیات رسیده و به ترتیب سوره‌ها و آیات، طبق مصحف شریف تنظیم شده است. (ایازی، ۳)

عزیزالله عطاردی، به بررسی این روایات و گونه‌های آن پرداخته است. وی روایات تفسیری امام صادق (ع) را تحت ده عنوان تقسیم بندی نموده است:

۱. شرح واژگان، ۲. شرح مفاد کلمه، ۳. شرح جمله و مفاد کلمه، ۴. زدودن شبهه و تصحیح بد فهمی نسبت به قرآن، ۵. تأویل آیات، ۶. تعیین مصداق و مصادیق، ۷. تبیین معارف اعتقادی، ۸. توجه به پیام و اهداف تربیتی، ۹. توضیح قصص قرآن، ۱۰. توجه به لایه‌های باطنی. (ایازی، ۳)

یکی دیگر از پژوهشگران معاصر، کاربرد این روایات را این‌گونه دسته‌بندی نموده است:

۱- کاربرد روایات در اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات و چینش و نظم آنها.

۲- کاربرد روایات در بیان مصادیق خارجی برای برخی آیات قرآنی.

۳- کاربرد روایات در تعیین مبهمات آیات. (ناصح، ۵۵ - ۱۳۴)

در این تقسیم بندی، روایات به صورت کلی تقسیم بندی شده‌اند و اختصاص به روایات امام ششم (ع) ندارد. در ادامه تقسیم بندی یاد شده تبیین می‌گردد.

۱- کاربرد روایات در اثبات توقیفی بودن ترتیب آیات و چینش و نظم آنها که خود به انواعی تقسیم می‌شود؛ مانند روایاتی که این حقیقت را بیان می‌کند که با تعلیم پیامبر (ص)، صحابه دریافتند بودند پایان سوره قبلی، شروع سوره بعدی با نزول بسم الله الرحمن الرحیم است. روایتی در این زمینه از امام صادق (ع) وارد شده است: «خدا سوره‌ای را از آسمان فرو

نفرستاد مگر اینکه شروعش با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بود و اتمام سوره نیز با نزول «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به عنوان ابتدای سوره دیگر، دانسته می‌شد.». (نوری، ۱۶۵/۴)

۲- کاربرد روایات در بیان مصادیق خارجی برای برخی آیات قرآنی که خود این روایات نیز انواعی دارد؛ گروهی روایاتی هستند که ضمن آنها از برخی آیات قرآن الغای خصوصیت شده و آن آیات بر مواردی غیر از مورد نزولشان تطبیق داده شده‌اند، درباره آیه مبارکه «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (الانبیاء، ۴۷) از امام صادق (ع) روایت شده که مقصود از موازین، انبیاء و اوصیاء هستند. (کلینی، ۴۱۹/۱)

گروه دیگر از این روایات، آنهایی هستند که در مقام بیان مصداق برای آیاتی هستند که در ظاهر، عمومیت و اطلاق دارند. مثلاً در مورد آیه «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (الزمر، ۹) از امام ششم (ع) منقول است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» کسانی هستند که می‌دانند محمد رسول خدا است و «وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» کسانی هستند که معتقدند محمد ساحر و کذاب است. (استرآبادی، ۵۰۱)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) در مورد همین آیه مصداق دیگری را به عنوان تأویل ذکر می‌کنند و می‌فرماید: «ما کسانی هستیم که می‌دانیم و دشمنان ما نمی‌دانند و شیعیان ما صاحبان خردند». (فرات کوفی، ۳۶۴)

همان طور که ملاحظه می‌شود، هر کدام از دو حدیث فوق با تعمیم آیه، مصادیقی را به عنوان تأویل برای آیه ذکر کرده و آیه نیز تاب هر دو تأویل را دارد و موارد مذکور در احادیث و موارد مشابه را در بر می‌گیرد. جز با مدد گرفتن از احادیث فوق این مفهوم عام برای آیه به دست نمی‌آید. (ناصح، ۷۶)

این نوع روایات به سبب گستردگی و کثرت تعدادشان در ادامه به صورت مستقل بحث می‌شود.

تبیین آیات از راه بیان مصداق

بیان مصداق یک آیه، به معنای تطبیق آن بر وقایع و وجودهای عینی و خارجی است و اشاره به یک یا چند مصداق، مفهوم آن را کاربردی ساخته، در فهم و به کارگیری آن، تأثیر بسیار دارد.

آنچه در بیان مصداق که گاه عنوان «جری» را به خود اختصاص می‌دهد باید لحاظ شود، مناسبت میان موضوع با مصادیق آن است زیرا در غیر این صورت بر روی فتنه انگیزان، باب سوء استفاده و بر نا آگاهان، در انحراف گشوده می‌شود. از این رو در روایات اهل بیت (ع)، ذکر مصداق از جایگاه خاصی برخوردار است. به ویژه در زمان امام صادق (ع) که بعضاً افرادی ساده لوح و قشری چون خوارج و یا سودجو و مغرض نظیر غلات می‌کوشیدند آیات را به نفع خود و علیه

دشمنانشان تفسیر کنند و با تأویلات ناروای خویش، خود و همفکرانشان را از جمله مصادیق متقین، مؤمنین و فائزین و شیعیان خالص و پاک را مصداق منافقین، فاسقین و کافرین معرفی نمایند. در چنین وضعیتی، تطبیق صحیح آیه بر افراد و وقایع عینی، راه‌گشای شیعیان بود و ایشان را از انحراف از راه راست و ابتلاء به شبهات می‌رهانید و از سویی نقشه شوم دشمنان را نقش بر آب می‌ساخت.

آنچه اینک باید متذکر شد آن است که مصادیق آیات، اقسام و مراتب گوناگون دارد: مصداق خاص، مصداق اتم، مصداق عام و مصداق باطن آیه.

الف - مصداق خاص آیه

در بعضی موارد علی‌رغم آن که لفظ آیه‌ای عام است و می‌تواند پذیرای مصادیق متعدد باشد، شواهد و قرائتی یافت می‌شود که آیه را در یک یا چند مصداق، منحصر و محدود می‌گرداند و افراد دیگر را از دایره شمول آن خارج می‌سازد. نمونه‌ای از مورد یاد شده، آیه ولایت؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة، ۵۵) است که هرچند لفظ «الذین» دلالت بر عموم دارد ولی مقصود از آن علی (ع) است. (نک: طبرسی، ۳۲۶/۳-۳۲۷)

ب - مصداق اتم

این نوع مصداق که بدان «اکمل» و «اعلی» نیز گویند؛ یعنی، لفظ و معنای آیه پذیرای مصادیق متعدد با درجات متفاوت باشد؛ ولی یک یا چند فرد - که در مرتبه‌ای بالاتر از دیگران قرار دارند - به عنوان مصداق اتم آیه معرفی می‌شوند. (حجتی، روش تفسیری صادقین، ۳۰) از جمله شواهد این نوع مصداق، روایت امام صادق (ع) ذیل آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (التین، ۶) در مورد علی (ع) و چند نفر از صحابی ایشان است. (فوات کوفی، ۵۷۷)

ج - مصداق عام

مصداق عام نوعی مصداق است که از قبیل مصداق‌های انحصاری و اتم نیست بلکه هرگاه لفظ آیه صلاحیت پذیرش مصادیق گوناگون داشته باشد و یکی از مصداق‌های عادی ذکر شود، آن را مصداق عام خوانند. (حجتی، روش تفسیری صادقین، ۳۰)

نمونه‌ای از این نوع، روایتی از امام ششم (ع) در ذیل آیه «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (الانشقاق، ۹-۷) است که فرد مؤمنی را مصداق این آیه می‌داند که خدا حسابرسی آسان او را

اراده می‌کند. (بحرانی، ۱۵۱/۴) لفظ مؤمن در این روایت عام و شامل همه مؤمنین می‌شود اما در روایتی دیگر از امام صادق (ع)، مصداق آن، علی و شیعیانش هستند. (بحرانی، ۶۱۷/۵)

د. مصداق باطن یا تأویل آیه

دانشمندان علوم اسلامی در تعریف تأویل و بیان ویژگی‌های آن دیدگاه‌های گوناگون دارند. برخی تأویل را مرداف تفسیر (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۵۴) و بعضی آن را حقیقتی می‌نامند که امور از آن سرچشمه می‌گیرد. (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۶۱) گروهی آن را انتزاع مفهوم عام و گسترده از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است می‌دانند که گاهی به معنای بطن در مقابل ظهر است. (معرفت، ۲۴-۲۵)

نمونه‌ای روشن از مصداق باطن، روایتی از امام صادق (ع) است که مقصود از کلمه «الغاشیة» در آیه «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ» (الغاشیة، ۱) را افرادی می‌داند که امام - یا مقام امام - خود را نادیده انگاریدند. (قمی مشهدی، ۲۴۸/۱۴)

کلمه «الغاشیة» در آیه یاد شده به یکی از نام‌های قیامت اشاره دارد ولی از آنجا که لفظ آن به معنای پوشاننده است لذا بر آن کس که حق امام و مقام او را نادیده بگیرد و بر آن پوشش نهد، تأویل شده است.

تأویل آیات

گونه‌ای دیگر از روایات امام صادق (ع)، تأویل آیات و راه بردن به معنایی غیر از ظاهر الفاظ و توجه دادن به فراسوی معانی است.

وقتی امام صادق (ع) بر طبق روایت کلینی آیه شریفه: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (الانسان، ۱) را تفسیر می‌کند، «شَيْئاً مَّذْكُوراً» را به «کان مقدراً غیر مذکور» تأویل می‌برد (عروسی حویزی، ۴۶۸/۵) و معنایش چنین می‌شود: انسان آن هنگام از روزگار، چیزی تقدیر شده بود، اما در خور یاد کردن نبود. یا در تفسیر آیه: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» (الرعد، ۱۳۱)، «یصلون» را در تفسیر ظاهری آن به صله رحم و پیوند خویشاوندی آن ارجاع می‌دهد و اما در ذیل روایت می‌فرماید: «و نهایت تأویل آیه، پیوند تو به امامت و ما اهل بیت است». (بحرانی، ۲۴۷/۳) در این جا لفظ، تحمل معنای گسترده‌ای را دارد تا شامل اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بشود، اما این نهایت تأویل آیه است.

نمونه دیگر در تأویل آیه: «وَإِن مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (الحجر، ۲۱) است که حضرت به نقل از پدران خود می‌فرماید: «در عرش خدا، تمثال همه آفریده‌های دریایی و خشکی است و این معنا تأویل آیه است». (عروسی حویزی، ۷/۳)

البته موارد تأویل آیات به اهل بیت (علیهم السلام) فراوان است، مانند آنچه عبدالعظیم حسنی (ع) به اسناد خود از امام صادق (ع) درباره آیه «وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب

گواری بدیشان نوشانیم.» (الجن، ۱۶) روایت می‌کند حضرت این راه درست را، راه اولیای خدا و اوصیای پیامبر (علیهم السلام) می‌داند و بر این معنا تأویل می‌برد. (بحرانی، ۵/۵۰۹) هر چند ظاهر آیه درباره جن آمده و سخنان آنان درباره انسان‌ها و در حیات پیامبر (ص) و در شهر مکه است.

تعیین مصداق و مصادیق

یکی دیگر از گونه‌های تفسیر در این روایات، نشان دادن نمونه‌های عینی و بیرونی و در تطبیق با حقایق و اشاره‌های قرآنی است. در تفسیر، توجه به مصداق و آوردن نمونه، برای تصوّر ذهنی کامل از مفهوم استفاده می‌شود. نشان دادن مصداق، هم قلمرو معنا را تعیین می‌کند و هم به کلام عینیت می‌بخشد و از ابهام در می‌آورد. در سخنان مردم گاهی از مفاهیم ارزشی سخن می‌رود، می‌گویند ایثار، بعد به موردی در خارج اشاره می‌کنند که کاملاً مفهوم را نشان می‌دهد و مثل اعلای آن می‌شود: شهادت، تواضع و اخلاص. در این موارد، ذکر مثال‌ها به این معنا نیست که آن مفهوم در آن مثال خلاصه شده، اما یاد کرد مثال، در تجلّی آن ارزش، سهم بسزایی دارد.

روایات بسیاری از امام صادق (ع) در نشان دادن مصداق یا مصادیق آیات رسیده و گاه چنان تعبیر شده که گویا در انحصار همان مصداق است، با آن که مفهوم کلام کلی و شامل مصداق‌های فراوان است. به عنوان نمونه، از امام صادق (ع) در ذیل آیه «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (النور، ۳۷) نقل شده است: «آنها کسانی هستند که در هنگام نماز، تجارت و خرید و فروش خود را رها و به نماز مشغول می‌شوند.» (بحرانی، ۴/۷۵)

روشن است که «ذکرالله» مفهوم عام دارد و شامل مصداق‌های فراوان می‌گردد. امام (ع) درباره آیه «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران، ۱۷) می‌فرماید: «کسی که پس از رکوع نماز و تر هفتاد بار استغفار کند، از استغفارکنندگان در سحرها است.» (فیض کاشانی، ۱/۳۲۲)

اما گاهی مسأله از این بالاتر است و ذکر مصداق از قبیل جری و تطبیق است. یعنی کشاندن مفهوم به موضوعاتی است که به ظاهر از کلام استفاده نمی‌شود و آیه ظاهراً در موردی نازل شده که گویا تنها ناظر به آن حادثه است، ولی امام صادق (ع) گستره پیام را روشن می‌کند و تصوّر دیگری به مصداق می‌دهد. در این که اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) در سخنان خود از مفهوم به مصداق‌های گوناگون راهنمایی کرده‌اند، تردیدی نیست و در بررسی روایات این نکته به خوبی آشکار می‌شود.

در روایتی در فلسفه جری و تطبیق آمده است: «اگر آیه‌ای درباره مردمی نازل شد و آنان مردند، دیگر جایی برای مصداق خارجی نداشته باشد، آیه، مرده است و در آن صورت، دیگر از قرآن چیزی باقی نمانده است.» (عیاشی، ۱/۱۰)

به همین دلیل روایات بسیاری از امام صادق (ع) در جری و تطبیق، یعنی کشاندن مفهوم به موضوعات جدید عینی و نشان دادن مصداق‌های پدید آمده، رسیده است و گویی به مخاطب، این روش را تعلیم می‌دهند که زیاد به مصداق‌های کهنه و قدیمی محدود نشوند و این مفاهیم را به عصر و زمان خود تطبیق دهند.

توجه به لایه‌های باطنی

راهیابی به معانی باطنی و شناخت گستره ابعاد پیام در لایه‌های زیرین کلام، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) است.

اشاره به بطن، نوعی اهتمام برای برگرداندن ظاهر به چیزی است که به نظر اهل بیت (ع) بخشی از مقصود کلام و لایه دیگری از مراد گوینده است. گرایش به باطن، ریشه در خود قرآن دارد و وجود آن در روایات بسیاری تأکیده شده است. (کلینی، ۳۷۴/۱) در روایات اهل بیت (ع)، باطن عمدتاً در برابر تنزیل و تفسیر استعمال شده و از این جهت وجود متمایزی دارد و معنایی جز ظاهر آیه و تنزیل آن قصد کرده‌اند، یعنی باطن، ناظر به سبب نزول و از مقوله توضیح مفاهیم و مدلول و شرح کلام نیست. مثلاً در آن جا که امام صادق (ع) در آیه شریفه «شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» (النحل، ۶۹)، آن را به «علمی که از ما به سوی شما خارج می‌گردد»، معنا می‌کنند، و غسل را به علم بر می‌گرداند، لایه ای دیگر از کلام حق را نشان می‌دهند. (قمی، ۳۷۸/۱)

در تفسیر آیه: «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» (الحج، ۲۹) که درباره انجام دادن مناسک حج و به جا آوردن نظافت و ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب‌ها و وفای به نذر آمده و در فقه این امور یادآوری شده است، امام صادق (ع)، طبق روایاتی آن را به لقای امام تفسیر می‌کند. (حر عاملی، ۳۲۲/۱۴) علامه مجلسی احتمال می‌دهند که مراد ملاقات با امام پس از تهذیب و سیر و سلوک و زدودن رجس‌ها و خبث‌های معنوی است و برای این احتمال روایتی به عنوان مؤید از کتاب کافی می‌آورند. (مجلسی، بحارالأنوار، ۳۶۰/۲۴) این در حالی است که در روایتی دیگر به همان معانی ظاهری و ذکر برخی مصادیق آن اشاره شده است. (کلینی، ۵۰۳/۴)

ایشان در روایتی در پاسخ به پرسش محمد بن سنان که آن معنا چگونه است، می‌فرماید: «برای قرآن، ظاهر و باطنی است.» (مجلسی، ۳۶۰/۲۴)

بخش عظیمی از روایات اهل بیت (ع) و امام صادق (ع) به تفسیر امور طبیعت مانند آب و آسمان، سایه، بهشت و جهنم مربوط است که به معانی خاص اشاره دارد. حتی برخی از روایات یاد شده در مورد اشخاص به ویژه اهل بیت (ع) و دشمنان و مخالفان آنان می‌باشد. شیوه آنان در بیان باطن و برگرداندن آیات به فضایل اهل بیت (ع)، شیوه اقتباسی و استنادی است. گرچه روایاتی چنین، در کتب اصلی شیعه کمتر ذکر شده - هر چند برخی از این روایات در کتاب‌هایی چون کافی نقل شده - اما حجم انبوه آنها را نمی‌توان انکار کرد و اگر در گروهی از این روایات به دلیل ضعف سند تردید شود، اما عده ای از آنها را نمی‌توان انکار کرد. (ایازی، ۶)

ممکن است گفته شود بیان باطن، نوعی تأویل است، اما نمی‌توان تردید کرد، که در روایات باطن و تأویل هر دو به کار رفته است، که شاید در برخی موارد با هم انطباق داشته باشند.

کاربرد روایات در تعیین مبهمات آیات

در خلال آیات قرآن مواردی یافت می‌شود که در آنها نوعی ابهام درباره اشخاص، گروه‌ها و یا اقوام و اماکن وجود دارد. (ناصح، ۸۰) لذا برخی روایات صادره از معصومین (ع) به بیان مبهمات قرآن می‌پردازد. مثلاً در آیه تطهیر (الاحزاب، ۳۳)، امام صادق (ع) ابهام را از کلمه اهل بیت زدوده و آنها را مشخص می‌سازد که ائمه طاهرین هستند. (بحرانی، ۴/۴۴۲) اگر این قسم یک نوع مستقل محسوب گردد، شأن نزول‌ها در این تقسیم بندی جا می‌گیرند.

بیان اسباب نزول در تفسیر امام صادق (ع)

علم به اسباب نزول که جز از راه روایت و سماع به دست نمی‌آید، از اساسی‌ترین ابزارهای فهم و درک معانی آیات و برطرف کننده مشکلات فراوان در زمینه تفسیر و تبیین مفاهیم قرآن است. (حجتی، ۳۳) عدم آگاهی از اسباب نزول، در بسیاری موارد، آدمی را در فهم احکام دینی و مسائل اعتقادی و اسرار کلام الهی به حیرت می‌اندازد؛ در مقابل، آشنایی با سبب نزول می‌تواند به پژوهشگر کمک کند تا آن حکمت را که بیانگر راز تشریح و وضع احکام و قوانین الهی است باز یابد. عدم آگاهی از سبب نزول حتی گاه صحابه پیامبر (ص) را نیز دچار اشتباه می‌ساخت و از این رو در بسیاری از موارد پیامبر (ص) با بیان سبب نزول، آنان را از سرگردانی‌های بی‌بخشید. (نک: حجتی، اسباب‌النزول، ۸۳-۹۵) با توجه به اهمیت این مطلب، بخشی از احادیث امام صادق (ع) نیز به این موضوع اختصاص یافته است که نمونه‌ای از آن، روایتی از ایشان است که یهود از پیامبر (ص) درخواست کردند پروردگارش را برای آنان توصیف کند که در پاسخ آنان سوره «توحید» نازل شد. (صدوق، التوحید، ۹۳)

بررسی روایات تفسیری امام صادق (ع) از نظر روش تفسیر

با یک بررسی کلی بر روایات می‌توان به این نکته پی برد که روش‌های معمول که از ابتدا تا امروز در تفسیر استفاده شده است، تقریباً برگرفته از همین روش‌های موجود در روایات تفسیری است. دسته بندی روایات تفسیری از حیث روش، می‌تواند تفسیر روایی را به روش‌های امروزی تفسیر نزدیک کند. در اینجا روش‌های تفسیری موجود در روایات امام صادق (ع) بررسی می‌شود.

۱- روش تفسیر قرآن به قرآن

مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن، خود قرآن است و شاید بتوان سخن امام علی (ع) که «القرآن ینطق بعضه ببعض» را (سیدرضی، خطبه ۱۳۲) بهترین دلیل بر این مدعا دانست. البته مرحوم آیت الله ملکی میانجی معتقدند که به این کلام حضرت نمی‌توان به نفع تفسیر قرآن به قرآن احتجاج کرد زیرا حضرت در مقام سرزنش قاضیان جاهل به قرآن و ملاک احکام است که دچار اختلاف گشته‌اند.

امام علی (ع) استدلال می‌کند که در قرآن هیچ بهانه‌ای برای اختلاف نبوده و بیان الهی خود مدار هر حجت و دلیلی است. (نک: ملکی میانجی، ۹۴) سبب دیگر آن است که مواعظ، قصص، احکام و حکمت‌های قرآن با توجه به جنبه‌های گوناگون، در سُوَر تکرار می‌گردد. از این رو، جز از راه گردآوری آیات همگون و تفکر و تأمل در آنها، بر تفسیر صحیح آن نمی‌توان دست یافت.

مشابهت آیات، گاه با تکرار لفظ یک موضوع در آیات گوناگون و زمانی با تکرار معنای آن تحقق می‌یابد. تفسیر قرآن به قرآن دارای انواعی نظیر بیان مجمل و مبین، عام و خاص، ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید و دیگر موارد است. از این رو، این نوع تفسیر، شیوه مورد قبول قرآن و روش ائمه (ع) در تبیین کلام خداوند است (حجتی، ۲۷) و در روایات تفسیری اهل بیت (ع) بسیار مشاهده می‌گردد. برای مثال امام صادق (ع) درباره آیه «عِيناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ» (مطففین، ۲۸) می‌فرماید: «مقربان، ما آل محمدیم. یعنی، پیامبر(ص) و خدیجه (س) و علی(ع) و ذریه آنها که به آنان ملحق می‌شوند و گواه آن، آیه «الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» (الطور، ۲۱) است». (قمی، ۴۱۱/۲)

۲- تفسیر قرآن به سنت

معصومین به ویژه امام صادق (ع) در موارد بسیار برای تبیین آیات قرآن از روایات نبوی و علوی بهره برده، در این مورد به دو شیوه عمل کرده‌اند. گاه روایاتی را بدون ذکر سند نقل می‌کنند و زمانی آن را همراه با سلسله سند آن یعنی از پیامبر(ص)، علی (ع) و یا دیگر ائمه (ع) می‌آوردند.

نمونه‌ای از تفسیر قرآن به سنت، روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَب» (الانشراح، ۷-۸) است که می‌فرماید: «چون فراغت یافتی رأیت خود برافراز و وصی و جانشینت را به همگان معرفی کن و آنان را از فضیلت وی باخبر ساز، پس [پیامبر(ص)] فرمود: «من کنت مولاة فعلى مولاة». (کلینی، ۲۹۴/۱)

۳- تفسیر لغوی

آشنایی با لغات قرآن از چنان اهمیتی برخوردار است که بعضی بزرگان، مفسر ناآگاه از علم لغت را شایسته تنبیه دانسته‌اند (سیوطی، ۴۴۴/۲) و از آن جهت که قرآن بر اسلوب متداول عرب نازل گشته است، در بسیاری موارد پیام کلی آیات آن غامض و پیچیده نیست ولی وجود برخی واژگان، سؤالاتی در ذهن خواننده پدید می‌آورد. (حجتی، ۲۸) از این رو بخشی از کلام امام صادق (ع) به تبیین لغات قرآن اختصاص دارد و از صورت‌های گوناگون ذکر مترادف، مترادف همراه با توضیح و آوردن آیه‌ای که لغت هم معنا یا هم ریشه با واژه مورد نظر دارد، برخوردار است.

برای مثال امام صادق (ع)، کلمه «تسنیم» در آیه «وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ» (المطففين، ۲۷) را از ریشه «سنم» به معنای «رفع» می‌داند و وجه نام گذاری چشمه بهشتی به آن را، رفعت و والایی شراب اهل بهشت و یا فرو ریختن آن چشمه از مکانی بلند بر منازل بهشتیان می‌خواند. (قمی، ۴۱۱/۲)

امام صادق (ع) در این نوع از روایات در توضیح واژگان به چهار جنبه از شرح واژه پرداخته‌اند؛

الف - گاهی تبیین واژه جنبه ظاهری و لفظی دارد و در جهت آگاه کردن شیوه محاوره عرب و استعمال آن است.

ب - گاهی در جهت تفسیر کلمه و توجه دادن به معنایی خاص است. مثلاً در روایتی در ذیل آیه «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (الاسراء، ۲۹) حضرت، محسور و احسار را که به معنای «حسرت زده» ترجمه می‌شود، به برهنگی و عریانی معنا می‌کنند. (فیض کاشانی، ۱۸۹/۳) در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود که در انفاق کردن چنان گشاده‌دستی منما که دچار برهنگی و درماندگی شوی. نمونه دیگر این است که ایشان، املاق را در آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ» (الاسراء، ۳۱) را فقر و گرسنگی معنا کرده‌اند. (قمی، ۱۹۲/۲) تفاوتی که میان این دو نوع لغت‌شناسی امام ششم (ع) می‌توان بیان نمود، این است که بیان امام (ع) در مورد واژه «محسور» تفسیر واژه است، زیرا محسور به همان معنای حسرت‌زده است، اما حضرت به علت حسرت توجه داده که یکی از آنها می‌تواند بخشش تاحد برهنگی و عریان شدن باشد، در صورتی که حسرت‌زدگی مصادیق دیگری هم می‌تواند داشته باشد، چون فقر و گرسنگی، درماندگی، فشار و محدودیت، ملامت همسر و فرزندان. اما در کلمه «املاق»، اگر تنگدستی معنا شود، یا فقر و گرسنگی، شرح الفاظ و توجه دادن به واژگان است و تفاوتی میان لغت با حدیث نیست و حضرت به همان معنای لغوی توجه می‌دهند. (نک: ایازی، ۴-۶)

ج - نمونه دیگر از این گونه شرح واژگان، بیان تفاوت میان دو واژه نزدیک به هم است. «فروغ اللغة»، یکی از گرایش‌های دیرین واژه‌شناسی است. به عنوان نمونه دو کلمه «فقیر» و «مسکین» معنایی نزدیک به هم دارد؛ اما چون در قرآن با هم آمده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ» (التوبه، ۶۰)، این پرسش مطرح است که تفاوت میان این دو کلمه چیست؟ حضرت می‌فرماید: «فقیر کسی است که به مردم اظهار نیاز نمی‌کند و مسکین کسی است که حالش از فقیر سخت‌تر باشد و [از مردم] سؤال [و درخواست] می‌کند». (طوسی، ۱۰/۴) ذکر این تفاوت هم جنبه تفسیری دارد تا روشن شود که در قرآن مترادف به کار نرفته و معانی مختلفی در نظر است. جنبه فقهی هم دارد که اگر امر دائر میان فقیر و مسکین شد، باید نوعی ترتب در پرداخت زکات، رعایت شود.

نمونه دیگر بیان تفاوت میان سرّ و خفی در آیه «وَأِنْ تَجَهَّرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَىٰ» (طه، ۷) از آن حضرت است که می‌فرماید: «سرّ، آن چیزی است که در درون خود پنهان کنی و خفی، آن چیزی است که به ذهن تو می‌رسد و فراموش می‌کند». (صدوق، معانی الأخبار، ۱۴۳)

د- البته گاهی شرح واژگان، در مقام بیان مصداق است، چنان که از آن حضرت درباره آیه: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا؛ سَبْكَار و گرانبار کوچ کنید.» (التوبه، ۴۱)، پرسیده می شود که معنایش چیست؟ حضرت می فرماید: «چه جوان باشید یا پیرمرد، برای جهاد فی سبیل الله کوچ کنید.» (مجلسی، ۴۸/۹۷)

البته سبکباری به معنای جوانی نیست اما می تواند مصداق این واژه باشد. همچنین گرانباری و ثقیل بودن، یکی از مصادیقش پیری، کهولت و ضعف و سستی است.

ه- گونه‌ای از روایات امام صادق (ع) در تبیین مفاد کلمه است. حضرت در این دسته از روایات در مقام بیان لغت نیست. کلمه را شرح می دهد، مثلاً در قرآن دو بار کلمه طوفان آمده است. (الاعراف، ۱۳۳؛ العنکبوت، ۱۴) طوفان و طیفون از یک ریشه است و به هر چیزی که فراگیر شود، گفته می‌شود و معمولاً برای باران های سخت و سهمگین و تشکیل امواج هولناک به کار گرفته می‌شود (ابن منظور، ۲۲۷/۹) اما وقتی از امام صادق (ع) درباره طوفان و مفاد این کلمه می‌پرسند، حضرت می‌فرماید: «هو طوفان الماء و الطاعون.» (عیاشی، ۲۵/۲) ایشان به مفاد لغوی کلمه توجه می‌دهد و آن را شامل بیماری‌های فراگیر و کشنده هم می‌داند و از معنای رایج کلمه فراتر می‌رود.

نمونه دیگر از شرح مفاد کلمه، معنای «یوم التناد» در آیه «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ» (غافر، ۳۲) است. معنای کلمه، «روز ندا دادن مردم به یکدیگر» است، اما حضرت شرح بیشتری می دهد و می فرماید: «روزی که اهل جهنم بهشتیان را ندا می دهند که بر ما، آبی افاضه کنید.» (صدوق، معانی الأخبار، ۱۵۶)

در روایات امام صادق (علیه السلام) این گونه از بیان شرح کلمه که فراتر از معنای لغوی پیش رفته، بسیار و در حقیقت تفسیر لغوی قرآن است. (ایازی، ۱۰)

۴- تفسیر بیانی

گونه ای دیگر از روایات تفسیری امام صادق (ع)، مواردی است که ایشان به جای بیان واژگان و تفسیر لغوی، در مقام شرح جمله و برداشتن اجمال و ابهام در کلامند؛ مانند چندین روایتی که از حضرت در شرح جمله «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵) رسیده است که می‌فرماید: «خدای رحمان از هر جهت، بر عرش استیلا دارد، پس چیزی نیست که نزدیک تر به او باشد.» (صدوق، التوحید، ۳۱۵)

نمونه دیگر در تفسیر این آیه است: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ؛ و کسانی که آنچه را دارند، می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است و می‌دانند که به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.» (المؤمنون، ۶۰)

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه یاد شده فرمود: «آنها هر کاری که می‌کنند می‌دانند که خداوند به آنها پاداش می‌دهد.» (برقی، ۱/ ۲۴۸-۲۴۹)

۵- استفاده از تمثیل و تشبیه

یکی از راه‌های القاء کلام بر مخاطب، به کار گرفتن تمثیل و تشبیه است. این شیوه‌ای است که راه رسیدن به مقصود و درک آن را بسیار کوتاه می‌سازد. قرآن نیز در بسیاری موارد به منظور عینیت بخشیدن آموزه‌های خود، از این ابزار استفاده کرده است. در کلام ائمه (ع) نیز نمونه‌هایی شیوا از تمثیل مشاهده می‌گردد. یکی از این موارد استفاده از تمثیل به آب در بیان اخلاص مؤمن در ذیل آیه «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (الفرقان، ۴۸) است. (نک: بحرانی، ۱۶۰/۴) در نمونه‌ای دیگر امام ششم (ع) هنگام تلاوت آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (الفرقان، ۶۷)، برای قابل درک نمودن معنای آیه و تبیین اقتدار، اسراف و قوام به یک نمونه محسوس اشاره کرده و مقداری ریگ در دست مبارکش گرفت. یک بار مشت را محکم گرفتند. بار دوم مشت را باز کرد تا همه ریگ‌ها ریخت و دفعه سوم با حالت نیمه باز انگشتان را رها کرد تا کمی از ریگ‌ها بریزد. سپس فرمودند که قوام و اعتدال یعنی حد وسط میان اقتدار و اسراف. (عروسی حویزی، ۲۹/۴)

۶- تبیین آیات به کمک برهان عقلی

ساختار و مفهوم برخی آیات که غالباً به اصول اعتقادی و آرای کلامی ارتباط دارد، به گونه‌ای است که ما را به استفاده از استدلال و برهان نیازمند می‌سازد زیرا از این راه به راحتی می‌توان شبهات را از خاطر افراد زدود و اعتقادشان را محکم گردانید. به کارگیری براهین عقلی نه تنها در کلام خداوند بلکه در شمار بسیاری از روایات اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد. این امر در اقوال امام صادق (ع) از فراوانی چشمگیری برخوردار است زیرا جامعه آن روز به دلیل وجود نحله‌ها، مکاتب و فرقه‌های گوناگون مذهبی، بیش از هر چیز به براهین مستحکم و قاطع نیاز داشت تا شبهاتی را که از سوی مخالفان القاء می‌شد، از خاطر مسلمین بزدايد و از چهره حقیقی اسلام پرده بردارد. علاوه بر آن مراجعه به این روایات، راه زدودن ابهام و شکوک، شیوه صحیح استدلال و پرهیز از افراط و تفریط در احتجاج را به افراد می‌آموزد. (حجتی، ۳۲)

گفتنی است که در برخی موارد با تصریح به اصول و قوانین عقلی و گاهی بدون تصریح و فقط بیان مطالب مبنی بر این قواعد این نوع تفسیر صورت پذیرفته است. (ناصر، ۱۱۵)

از جمله نمونه‌های زیبای استدلال‌های اهل بیت (ع)، تفسیر سوره «توحید» است که گنجینه‌ای از دروس خداشناسی به شمار می‌آید. مثلاً امام صادق (ع) در روایتی با استدلالی کوتاه ولی عمیق فرازی از سوره «توحید» را تفسیر می‌کند و علت نزاییدن و زاده نشدن خداوند را در آن می‌داند که اگر خدا می‌زایید بالآخره مولد شبیه پدرش بود و خودش هم زاییده نشد چرا که باید ضرورتاً شباهتی به آنچه که او را تولید کرده داشته باشد. (عروسی حویزی، ۷۱۵/۵) این جملات در عین کوتاهی و سادگی بیان کننده عدم جسمیت و مادیت و ترکیب و تجزیه و تحیز و امثال آن است.

۷- تفسیر علمی

اگر تفسیر علمی آیات، یک نوع روش مستقل تفسیری به شمار آید، می‌توان روایاتی که شامل برخی اشارات به مباحث علمی - مطابق با علوم جدید - است را تفسیر علمی آیات توسط معصوم (ع) نامید. نمونه‌ای از روش یاد شده، روایت امام ششم (ع) در مورد ستاره جدی است که چون زوال ندارد برای مردم در خشکی و دریا باعث هدایت است تا گم نشوند و نیز جهت قبله را می‌توان بر اساس آن به دست آورد. (عروسی حویزی، ۴۶/۳) این حدیث پس از قرن‌ها مورد تأیید و گواهی علم روز قرار گرفته است.

۸- تفسیر آیات از راه شرح جریان تاریخی آن

یکی از راه‌هایی که قرآن برای هدایت بشر به کار گرفته است، بیان جریان‌ات تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند، ره آورد استفاده از این شیوه را، آشنایی مردم با سرنوشت گذشتگان و پند گرفتن از آن می‌داند. آنجا که می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (یوسف، ۱۱۱) زیرا آگاهی از احوال آنان، به انسان می‌آموزد چگونه زندگی کند؛ چگونه حق را بپذیرد و با باطل بستیزد و چطور برای خود سرانجامی نیکو رقم زند. (حجتی، ۳۳)

شماری از روایات اهل بیت (ع) به توضیح و شرح جریان‌ات تاریخی اختصاص یافته است.

نمونه‌ای از آنها روایتی است که ضمن آن امام ششم (ع)، جریان اصحاب فیل را به تفصیل بیان می‌کند. (بحرانی، ۷۶۰/۵-۷۶۱)

تفصیل و توضیح در این دسته از روایات امام صادق (ع)، گاهی در قالب گفتگو و زمانی در قالب رفع ابهام و هشدار نسبت به آیندگان و تکرار حوادث و ضرب المثل و تطبیق با مسلمانانی است که حیات پیامبر اسلام (ص) را تجربه کرده‌اند و هم اکنون حوادث بنی اسرائیل، یعقوب و یوسف، موسی و هارون و فرعون تکرار می‌شود.

به عنوان نمونه محمد بن قاسم از امام صادق (ع) به مناسبت تفسیر آیه ۵۳ سوره حجر به گفتگوی ساره با ابراهیم و نداشتن فرزند اشاره می‌کند و درخواست آنان از خداوند و زمان استجاب دعا و فاصله میان به دنیا آمدن اسحاق و یعقوب را اشاره می‌کند. (ایازی، ۱۰ به نقل از مسند الإمام الصادق، ۱۶۰/۷)

۹- زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن (پاسخ به شبهات)

بی‌گمان یکی از مسئولیت‌های اهل بیت (ع) پاسخگویی به شبهات بوده است. آنان با تمام سختی و دشواری و فضای انزوای موجود در اغلب زمان‌ها توسط حکومت وقت، افزون بر روش ایجابی و اثباتی در بیان آیات، به تصحیح حرکت تفسیر و زدودن شبهات از آیات برآمده‌اند. آنان با مخالفت با تفسیرهای غلط و شیوه‌های مخالف با قواعد تفسیر، مانند

تفسیر به رأی و تقطیع کردن آیات و بی‌توجهی به آیات ناسخ و منسوخ و حمله بر نقل و داخل کردن اسرائیلیات در روایات، راه تفسیر صحیح را هموار ساختند. (نک: عروسی حویزی، ۳۶۸/۱)

بخشی از روایات ذکر شده، از امام صادق (ع) رسیده است که نشان می‌دهد یکی از جایگاه‌های انحصاری آنان، در هدایت به تفسیر و تصحیح بد فهمی نسبت به قرآن است. نهی امام صادق (ع) از تفسیرهایی که به سیاق آیات توجه نشود، یا از قیاس یا به محکم و متشابه آن توجه نشود، نمونه‌ای از راهنمایی‌های حضرت نسبت به تصحیح حرکت تفسیر است، چنان که جهت فهم صحیح و پیشگیری از بدفهمی معانی کلمات: احد، صمد، هدایت و ضلالت، مفهوم کرسی، صراط، ابتلای به کلمات، معنای رجس و غیب و شهادت و ده‌ها کلمه قرآنی در این جهت تفسیر شده‌اند. (نک: صدوق، معانی الأخبار، ۴، ۶، ۲۰، ۲۹، ۳۲، ۹۳، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۹۲، ۲۱۳ و ۲۹۴)

۱۰- تبیین معارف اعتقادی

از آنجا که یکی از جایگاه‌های اهل بیت (ع)، مرزبانی از اعتقادات قرآنی و نظارت بر روند اندیشه دینی در جامعه مسلمانان بوده، یکی از گونه‌های تفسیری امام صادق (ع)، تبیین این معارف بلند در حوزه مسائل اعتقادی است. در این گونه از روایات، گاه دیده می‌شود با استناد به آیات، عقیده ای تصحیح و عقیده ای تبیین می‌شود. از این رو می‌توان مبارزه آن حضرت با مرجئه، قدریه، جبریه، اندیشه تشبیه و تجسیم و دیگر نحله‌های فکری را در روایات تفسیری اهل بیت (ع) مشاهده کرد.

معمولاً بیشتر این گونه روایات، جنبه استنادی دارد تا پرده برداری و کشف معنا، هر چند در جاهایی که احتمالات گوناگونی در کلام مطرح است، مانند آنچه امام (ع) در آیه «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (البقره، ۲۵۵) در توضیح کرسی می‌فرماید: «مراد از آن، علم پروردگار است که بر آسمان‌ها و زمین سیطره دارد». (صدوق، التوحید، ۳۲۷)

در تفسیر «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» (الرعد، ۳۹) درباره محو و اثبات الهی که چه چیزی را از بین می‌برد و چه چیزی را بر جای می‌گذارد، حضرت می‌فرماید: «آیا جز آنچه ثابت بوده، محو می‌شود؟ و آیا جز آنچه نبوده، اثبات می‌شود؟». (صدوق، التوحید، ۳۳۳)

در این باره کافی است که به کتاب التوحید مرحوم صدوق مراجعه گردد تا معلوم شود که حجم این دسته از روایات چه بسیار است.

۱۱- توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی

بی‌تردید نگرش قرآن به عنوان کتابی که هدایتگر است و مهم‌ترین پیام آن مسائل هدایتی و تربیتی است بسیار مهم است. این جهت تفسیری، در عهد بنی امیه و بنی عباس مغفول مانده بود و حتی با طرح مباحث حاشیه ای چون تأکید فراوان به قرائت و وجوه ادبی و قصه پردازی اسرائیلی، فضای گرایش به قرآن منحرف شده بود. یکی از گام‌های مهم اهل بیت (ع)،

تأکید بر هدفمند بودن نزول قرآن و اولویت دادن به طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و پررنگ کردن ابعاد هدایتی قرآن بود. امام صادق (ع) که فرصتی پیدا کرده بود تا بتواند ناگفته‌ها را بگوید، در تفسیر آیات، هدف اصلی قرآن را ساختن شخصیت روحی مخاطبان خود بیان می‌کند و با طرح مباحث اخلاقی و یا برجسته کردن نکاتی که ذکر گردید، فضای دیگری از مسائل سیر و سلوکی و عرفانی به وجود آوردند. به عنوان نمونه حضرت در ذیل آیه شریفه: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (القصص، ۸۳) بحثی درباره جایگاه دنیا و چگونگی استفاده از آن را مطرح می‌کند و در حال گریه می‌فرماید: «به خدا سوگند آرزوها و آمال با این آیه از بین رفته است. به خدا قسم، نیکان سعادت‌مند شدند». (نوری، ۲۷۷/۴)

آن‌گاه حضرت با لحنی تربیتی و عرفانی نکات آیه را بیان می‌کنند و قلمرو زهد از دنیا را شرح می‌دهند و در پایان به مهم‌ترین فراز آیه ذکر شده اشاره و بزرگ‌ترین آفت انسان در دنیا، یعنی قدرت‌طلبی و زنبارگی را بیان می‌کنند و بر این جمله تطبیق می‌دهند. (نوری، ۲۷۷/۴)

نمونه دیگر، شرح آیه «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (الجمعه، ۵) است که امام (ع) به مقایسه حمار با انسانی که می‌داند و عمل نمی‌کند، می‌پردازد و در پایان به نقل از امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «ای مردم، هر کسی از آن چیز که می‌گریزد، به سر وقتش می‌آید و اجل به سوی او سوق داده می‌شود و فرار کردن از آن رسیدن به آن است». (قمی، ۳۶۶/۲-۳۶۷)

نتایج مقاله

۱- برطبق آنچه یاد شد، چنین می‌توان دریافت که شاخص‌های اصلی روش تفسیر امام ششم (ع)، تفسیر قرآن به قرآن و روایت، براهین عقلی، تأویل، ذکر مصداق و اسباب نزول، شرح لغات، بیان حکم تلاوت سُور و آیات و شرح جریانات تاریخی است.

۲- برآیند بررسی روایات تفسیری اهل بیت (ع) به ویژه امام صادق (ع) نشان می‌دهد که بخش بسیاری از کلام آنان در باب تأویل و بیان مصداق باطن آیات است که فهم آن به راسخان در علم اختصاص دارد و این خود ضرورت مراجعه به اهل بیت (ع) را آشکارتر می‌سازد.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اعرابی، غلامحسین، مقاله تفسیر روایی قرآن از نگاه فریقین، مجله پژوهش دینی، ش ۱۶.
- ۳- ایازی، سید محمد علی، مقاله روایات امام جعفر صادق (ع) در تفسیر قرآن، ویژه نامه همایش پاسداشت استاد عزیز الله عطاردی.
- ۴- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- ۵- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ هـ.ق.
- ۶- حاجتی، محمد باقر، اسباب النزول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۷- همو، غفاری، علی اکبر، افتخاری، لاله، مقاله روش تفسیری صادقین، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، ش ۴۱.
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۹- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول.
- ۱۰- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۳۱ هـ.ق.
- ۱۱- صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ هـ.ق.
- ۱۲- همو، معانی الأخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۱۳- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ق.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام از دیدگاه تشیع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ ش، چاپ چهاردهم.
- ۱۵- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۱۶- عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیاء دین، قم، مجمع علمی اسلامی، چاپ سوم.
- ۱۷- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه ۱۳۸۰ هـ.ق.
- ۱۸- فیض کاشانی، محمد بن محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق، چاپ دوم.
- ۱۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش، چاپ چهارم.
- ۲۰- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ هـ.ش.
- ۲۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۲۲- کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ هـ.ق.
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۲۴- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۷، چاپ چهارم.
- ۲۵- ملکی میانجی، محمد باقر، نگاهی به علوم قرآنی، مشهد، انتشارات ولایت، ۱۳۸۹ هـ.ش.
- ۲۶- ناصح، علی احمد، اعتبار و کاربرد روایات تفسیری، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۲۷- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.